



Middle East Studies Quarterly

Vol 29. No 2. Summer 2022

Received date: 2022.05.19

Acceptance date: 2022.06.06



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1401.29.2.11.9

Key Contents in the Media of the Terrorist Group Jaish ul-Adl: A Case Study on Social Networks

Mohammad Sajjad Shiroudi¹



Abstract

The media world, particularly far-reaching media and virtual networks, have become influential instruments for mainstreaming, justification and persuasion for violent and subversive movements. Hence, they have significantly attracted the attention of terrorist groups. One of the most important media-virtual instruments used by these groups includes virtual space particularly social networks. Jaish ul-Adl has also sought to persuade and attract people and expand its activities, by establishing a variety of groups and channels in various social networks according to time and place necessities through releasing notices, religious trailers, motivational speeches, documentaries and so on. Apart from its degree of success in these three arenas, its political propaganda has reinforced its acts of terror and accordingly has threatened the border security of the Islamic Republic in eastern areas. Considering its vast similarity to ISIS, it has imitated their media-virtual pattern, thus increasingly elaborating its media-virtual language in its oratory literature, religious justification and alike. Drawing upon content analysis methodology, this article has identified Jaish ul-Adl's propaganda in the Sunni-Shia, minority-majority, right-wrong, faith-paganism, and Jihad-peace binaries. The article has provided the ground for new findings by generalizing the binaries.

Keywords: Jaish ul-Adl, Terrorism, Content Analysis, New Social Networks, Mainstreaming, National Security, Virtual Reality



مرکز پژوهش های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۲۹، شماره ۲، پیاپی (۱۰۸)، تابستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۱.۲۹.۲.۱۱.۹

جیش العدل: مطالعه موردی شبکه های اجتماعی محتوا و مضامین کلیدی رسانه های گروه تروریستی

محمد سجاد شیرودی^۱



چکیده

دنیای رسانه، بویژه رسانه های همه گیر و شبکه های مجازی، با اطلاع رسانی و جهت دهی هدفمند به ابزاری نافذ و ممتاز برای جریان سازی، توجیه، اقناع و بسترسازی جهت حرکت های خشونت بار و برانداز بدل شده اند. از این رو، به شدت مورد توجه گروه های تروریستی قرار گرفته اند. یکی از مهم ترین ابزارهای رسانه ای-مجازی مورد استفاده آنها، فضای مجازی بویژه شبکه های اجتماعی است، جیش العدل نیز با تأسیس گروه های مختلف و ایجاد کانال های متعدد در شبکه های متنوع اجتماعی بر اساس اقتضات زمان و مکان، از طریق انتشار اطلاعیه ها، تیزرهای مذهبی، سخنرانی های مهیج، کلیپ های مستند و نظایر آن، در اقناع سازی و جذب مردم و بسط فعالیت خویش کوشیده است. صرف نظر از میزان موفقیت آن در این سه عرصه، مجموعه تبلیغات سیاسی آن، اقدامات تروریستی را افزایش داده است و به همان نسبت، امنیت مرزبانی جمهوری اسلامی در شرق کشور را با خطر مواجه کرده است. این گروهک تعداد قابل توجهی از مردم، نیروهای نظامی و انتظامی را به شهادت رسانده است و متأسفانه کار پژوهشی مناسبی در کشور در این حوزه صورت نگرفته است و این مهم ما را بر آن داشت تا قدمی در این فضا برداریم. جیش العدل به دلیل تشابه زیادی که به داعش دارد، الگوی رسانه ای-مجازی خود را از آن برگزیده و لذا زبان رسانه ای مجازی آنان در ادبیات خطابه، استدلال تراشی شرعی و نظایر آن، روزبه روز فصیح تر می شود. مقاله حاضر، با روش تحلیل محتوا، مضامین اصلی و کلیدی، پروپاگاندای جیش العدل را در چند یافته دوگانه سنی / شیعه، اقلیت / اکثریت، حق / باطل، کفر / ایمان و جهاد / صلح شناسایی کرده و با تعمیم آن، زمینه دسترسی به یافته های جدید را فراهم آورده است.

واژگان کلیدی: جیش العدل، ترور، شبکه های اجتماعی نوپدید، امنیت ملی، واقعیت مجازی.

جیش العدل به همان گونه که رسانه‌های مجازی را زبان قدرتمند قدرت‌های خارجی می‌داند خود با تمسک به آن، تریبونی برای ارسال صداها یا خواسته‌های خود ساخته است. این گروه، دریافته در بدترین حالت، رسانه‌های مجازی، بلندگوی تک‌صدایی آنان خواهد بود و البته در وضعیت‌های دیگر می‌تواند به تبلیغ قدرتمند مؤلفه‌های اعتقادی-سیاسی خود بپردازد و البته، رسانه‌ها در نزد آنان، ابزاری برای معرفی خویش، ارائه گزارش اقدامات، عرضه وضع عمومی، اعلام عقاید مذهبی، اظهار آرمان‌های سیاسی و وسیله‌ای برای مبادله اطلاعات یا افزایش آن، دلگرم‌سازی هواداران و عضوگیری‌های جدید، اعلام مستمر موجودیت هستند تا از آن پلی بین خود و حامیان مالی، سیاسی و فکری خویش بسازد. بعد عمومی بودن و بین‌المللی این دسته از رسانه‌ها، از چشم آن‌ها دور نمانده است اما جیش العدل می‌داند که گاه خبری از چشم تیزبین رسانه‌های مجازی دور می‌ماند یا در رقابت یا جدال رسانه‌ای مغلوب دست برترها می‌شود.

آنچه برای جیش العدل مهم‌تر است آنکه رسانه‌های مجازی قادر هستند آنان را از انزوای جغرافیایی به سمت دنیایی که مؤثرتر از منبر، آنان را با هواداران و حامیان مرتبط نگاه دارد، حرکت دهد. از نگاه آن‌ها «هنر رسانه، تبلیغ نیست بلکه مردم با رسانه، اطراف خود را می‌بینند و باور می‌کنند» (Tomlinson, 1999: 18). جیش العدل جنگ بر روی زمین را گاه وسیع‌تر از آن دیگری، در جنگ رسانه‌ای دنبال می‌کند. آن‌ها از این طریق، می‌کوشند خلاء دیگری را پر کنند زیرا بر این باور هستند که رسانه‌های فارسی زبان خارج کشور به اقدامات خشن داخل کشور، توجه اندکی دارند و بیشتر بر آمریکا متمرکز هستند. به هر روی، آنان بیم آن را دارند که در سایه مرگ رسانه‌ای، بلوچ‌ها و سنی‌ها از دست بروند. با این وصف، جیش العدل از محدودیت‌های رسانه‌ای-مجازی آگاه است لذا از آن برای بیان مهم‌ترین چیزهای موردعلاقه خود بهره می‌گیرد. در واقع، می‌توان با تحلیل محتوا نشان داد که این گروه بر روی کلیدی‌ترین واژه‌های اعتقادی، فکری و سیاسی خود در فضای رسانه و مجازی تمرکز یافته است.

پیشینه پژوهش در باب بازوهای رسانه‌ای گروه‌های تروریستی

غالب ادبیات منتشر شده در باب این موضوع در شکل سایت و فنون و تکنیک نوین تصویرسازی است. به عنوان نمونه، روزنامه مشرق در مقاله «پشت پرده قرار گرفتن جیش العدل در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا» (۱۵ تیر ۱۳۹۸) به اهداف آن کشور در قرار دادن جیش العدل مانند ناتوانی جیش العدل در تامین هدف‌های آمریکا، فراهم کردن زمینه جنایت بیشتر برای جیش العدل و... اشاره می‌کند. همین روزنامه به نقل از العربیه و در مقاله «حزب‌الله تروریست است اما جیش العدل نه» (۲۵ بهمن ۱۳۹۷)، جیش العدل را گروهی شبه‌نظامی دانسته که مدعی دفاع از حقوق اهل سنت و بلوچ است و نیز، مدعی است که این گروه، اقدامات خود را در واکنش به رویکرد طائفه‌ای ایران صورت می‌دهد.

در مطلبی دیگر، سایت ایران آنلاین در مقاله «جیش العدل را چه کسی و با چه هدفی راه انداخت؟» (۲۵ بهمن ۱۳۹۷) حفظ وضعیت نابسامان مرز ایران و پاکستان، حفظ گرایشات قومی و قبیله‌ای سیستان و بلوچستان را از اهدافی شمرده که کشورهای آمریکا، پاکستان و انگلیس را به تاسیس جیش العدل کشانده است. علاوه بر این، سایت رویداد ۲۴ در مقاله «جیش العدل چگونه فعالیت و مبارزه می‌کند؟» (۷ آبان ۱۳۹۸) آورده است که جیش العدل در مناطق مرزی ایران با پاکستان حضور دارند و پاکستان توجه چندانی به امنیت مرزهای خود با ایران ندارد، زیرا اولویت پاکستان، امنیت مرزهای خود با هند و افغانستان است. آفتاب نیوز هم در خبر تحلیلی «عمران‌خان و وعده مقابله با گروه‌های تروریستی» (۱۸ اسفند ۱۳۹۷) با تردید به قول دولت پاکستان برای اقدام عملی جهت منع فعالیت تروریستی جیش العدل موسوم به برنامه اقدام ملی می‌نگرد.

مقالات

مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاثیرگذاری عملیات‌های روانی گروهک‌های تروریستی بر نگرش مردم استان سیستان و بلوچستان» توسط محسن قنادزاده در مجله قلمروهای جغرافیایی قرن جدید سال ۱۴۰۰ به انتشار رسیده است که در آن نویسندگان می‌خواهند به این سوال پاسخ دهند آیا عملیات‌های مختلف گروه‌های تروریستی (گروه جنادالله و جیش‌العدل) بر نگرش مردم استان سیستان و بلوچستان نسبت به این گروه‌ها تاثیر داشته است.

مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان ضد امنیتی گروهک تروریستی جیش‌العدل (جیش‌الظلم) در سیستان و بلوچستان» توسط سید محمد اکرمیان در مجله آفاق امنیت در سال ۱۳۹۹ به انتشار رسیده است که در آن نویسنده روند گفتمانی جیش‌العدل را در کنار عملکرد نظامی و مستقیم پیگیری می‌کند، این نگاه بنا بر ضرورت تبیین علمی و دقیق ناامنی‌های شکل گرفته در مناطق شرقی جمهوری اسلامی ایران، تبیین گفتمان و عملکرد گروهک تروریستی جیش‌العدل، با استفاده از الگوی فرکلاف را در دستورکار دارد.

مقاله‌ای با عنوان «بین شاخص‌های گفتمانی و نمادین گروهک تروریستی جیش‌العدل در تعارض با جمهوری اسلامی ایران» توسط سعید حاجی ناصری در سال ۱۳۹۴ در مجله مطالعات انقلاب اسلامی به انتشار رسیده که در آن نویسنده با تحلیل بیانیه‌ها و استفاده از منابع دست اول، شاخص‌های نمادین مشروعیت‌بخش این گروه را معرفی کرده تا با هدفی کاربردی، شرایط را برای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های هویتی و گفتمانی در جهت ناکام گذاشتن این عناصر مشروعیت‌بخش فراهم آورد تا گامی در جهت تحکیم مبانی انقلاب در استان سیستان و بلوچستان برداشته شود. علاوه بر سایت‌ها و مقالات، کتب و رسایل دانشگاهی منتشر شده در باب این موضوع قابل توجه هستند که می‌توان اهم آن‌ها را به ترتیب زیر برشمرد:

۱. قابلیت انتساب اعمال گروه‌های تروریستی به دولت‌ها اثر افشین قشلاقی نیگجه و امیر فامیل زوارجلالی (بهمن ۱۳۹۷)
۲. در مسیر شیطان (پژوهشی پیرامون نقش نظام سلطه در پیدایش گروه تکفیری، تروریستی داعش) اثر محمد عزیزی (مرداد ۱۳۹۷).

۳. نقش اندیشه‌های لیبرال-دموکراسی در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی (نگاه به تحولات سوریه) اثر احمد تیموری (اردیبهشت ۱۳۹۶).

۴. شناخت تهدیدات امنیتی ناشی از گروه‌های تروریستی در شمال غرب: تهدیدات پژاک و راهبردهای مقابله اثر محمدجواد رمضانی و شاپور امیرمحسنی (تیر ۱۳۹۶).

۵. ایدئولوژی گروه‌های تروریستی تکفیری-وهابی از القاعده تا داعش اثر مهدی بخشی شیخ احمد (فروردین ۱۳۹۵) اما هیچ‌یک از این کتاب‌ها، حتی به موضوع کلی جیش‌العدل نپرداخته‌اند.

پایان‌نامه‌ها و رساله‌های چندی و البته نزدیک به موضوع مقاله، نگاشته شده است:

الف) هاشم موسوی فرد در پایان‌نامه ارشد (۱۳۹۳) تنها به علل شکل‌گیری جیش‌العدل و گروه‌های مشابه با این تفکر در مرزهای شرقی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته است.

ب) مهرداد ابراهیمی در پایان‌نامه ارشد (۱۳۹۷) تحلیل و بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان در کاهش تنش‌های منطقه‌ای و تحرکات تروریستی خاورمیانه را مورد بررسی قرار داده است.

ج) ابوالفضل جانفزا در پایان‌نامه ارشد (۱۳۹۰) علت‌یابی و راه‌کارهای پیشگیری از جرایم تروریستی در استان سیستان و بلوچستان را به پژوهش گرفته است.

د) علیرضا عیاری در رساله دکتری (۱۳۹۶) نقش گروه‌های تروریستی در مناسبات دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری پاکستان از ۱۳۹۲ تا ۱۳۶۸ را به بحث گذاشته است.

ه) یونس رشیدی در رساله دکتری (۱۳۹۶) تحلیل ژئوپولیتیک بازنمایی فضا در رسانه مطالعه موردی: بازنمایی فضا در سینما پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را بازنمایی کرده است اما هیچ‌یک از این آثار در بررسی رسانه‌ای-مجازی گروه تروریستی جیش‌العدل مفید نیستند.

تبار، تاریخ و ایدئولوژی گروه جیش‌العدل

جیش‌العدل از بقایا و انشعابات گروه تروریستی جن‌الله تشکیل شده است. مؤسس این گروه، عبدالمجید معروف به عبدالمالک ریگی شفا فرزند آزاد متولد ۱۳۶۱ در زاهدان است که به لحاظ اعتقادی سنی حنفی با گرایش دیوبندی است. او مدت کوتاهی در حوزه‌های دینی داخل استان سیستان و بلوچستان از جمله مدرسه علمیه «عین‌العلوم گشت سراوان» تحصیل کرد و سپس به پاکستان رفت و مدت اندکی هم در مدرسه «فاروقیه» آن کشور ادامه تحصیل داد.

ریگی در سال ۱۳۷۴ در گروه سپاه محمدرسول‌الله به رهبری مولابخش درخشان معروف به «مولوک» به مدت یک سال عضویت داشت و مدتی در قندهار افغانستان به همراهی گروه طالبان پرداخت، وی در آذر ۱۳۸۱ برای شرکت در جماعت تبلیغی به کردستان رفت ولی در شهر مریوان دستگیر شد و به مدت یک‌ماه در زندان همدان بازداشت بود. در دی ۱۳۸۱ به همراه چند نفر از دوستان طلبه همکار طالبان، برای آنچه که احقاق حقوق اهل سنت و مبارزه با جمهوری اسلامی ایران می‌نامیدند، هم‌پیمان شدند؛ لذا گروهی به نام جن‌الله را تشکیل داده و عبدالمالک را به‌عنوان امیر خود انتخاب کردند. آغاز اقدامات تروریستی آن گروه در سال ۱۳۸۲ است که در یک اقدام تروریستی خودروی الگانس نیروی انتظامی را منفجر کردند. این گروه که فعالیت‌های خود را به‌صورت مخفیانه و زیرزمینی ادامه می‌داد، با انجام اقدامات تروریستی دیگری در همان سال از جمله: حمله به پایگاه مقدار در خاش، گروگان‌گیری اتباع هندی، هلندی و آلمانی، خواسته‌هایش را بیشتر مطرح کرد. سپس از عنوان «جنبش مقاومت مردمی ایران» برای معرفی خود استفاده کرد تا اهداف و برنامه‌های تروریستی خود را در پشت این نام پنهان کند (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۱۳۵). این گروه، اقدامات تروریستی متعددی از جمله ترور، بمب‌گذاری، عملیات انتحاری، آدم‌ربایی به قصد اخاذی، سرقت مسلحانه، تیراندازی به نیروهای گشتی را در پرونده خود دارد و البته با این اقدامات سعی در تحمیل اهداف و برنامه‌ها و خواسته‌های سیاسی-قومی خود به جمهوری اسلامی داشت. این گروه، از ابزارهای رسانه‌ای مختلفی همچون سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی، مصاحبه با شبکه‌های تلویزیونی فارسی و عربی همانند شبکه‌های العربیه و پارس و... استفاده و اهداف و برنامه‌های خود را از این راه منتشر می‌کرد. محل استقرار این گروهک تروریستی در ایالت بلوچستان پاکستان بود. این گروه با دستگیری و اعدام ریگی جای خود را به جیش‌العدل داد.

جیش‌العدل به رهبری عبدالرحیم ملازاده (صلاح‌الدین فاروقی) تأسیس شد. این گروه تروریستی تا کنون مسئولیت صدها قتل و ترور در نواحی شرقی استان سیستان و بلوچستان را بر عهده گرفته است. گروه جیش‌العدل، با آموزه‌های سلفی و باورهای وهابی از جمله حامیان تکفیری‌های معارض در جنگ سوریه است و یکی از دلایل اقدامات تروریستی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را حمایت از تکفیری‌های سوری و تروریست‌های معارض دولت سوریه و سایرین اعلام کرده است. جیش‌العدل سه شاخه نظامی دارد که برای سه منطقه در جنوب شرق ایران پیش‌بینی شده است، تمامی این دسته‌های نظامی در اطراف خط مرزی ایران و پاکستان فعالیت می‌کنند تا بلافاصله پس از عملیات تروریستی بتوانند به خاک پاکستان بگریزند. گروه نظامی عبدالملک ملازاده در محدوده شهرستان سرباز و راسک، گروه نظامی شیخ ضیایی در محدوده سراوان، گروه مولوی نعمت‌الله توحیدی در محدوده میرجاوه و زاهدان فعالیت می‌کنند. گروه نعمت‌الله در اولین عملیات نظامی، یکی از اصلی‌ترین اعضای خود به نام زبیر اسماعیل‌زهی را از دست داد و تاکنون موفقیت امنیتی قابل ذکری نداشته است. بار اصلی عملیات‌های جیش‌العدل بر عهده گروه عبدالملک و شیخ ضیایی در مناطق سراوان و سرباز می‌باشد که از امتیاز راه‌های گریز و صعب‌العبور مرزی برخوردار است. این دو گروه به‌صورت چریکی عمل می‌کنند و از روش‌های کمین و بمب‌های

ریموت‌دار، کنترل و مین‌های جاده‌ای استفاده می‌کند. این گروه یک شاخه اطلاعاتی با نام زیر اسماعیل‌زهی نیز راه‌اندازی کرده که عمده مأموریت آن شناسایی چهره‌های اهل سنت همراه نظام و ترور آن‌ها می‌باشد. جیش‌العدل اواخر سال ۱۳۹۲ با ورود به مرزهای مشترک ایران با پاکستان اقدام به ربودن و گروگانگیری ۵ مرزبان ایرانی و استقرار آن‌ها در مناطق کوهستانی پاکستان کردند، در این ماجرا، با بزرگ‌نمایی رسانه‌ها و فضاها مجازی، این گروه بیشتر شناخته شد.

جیش‌العدل را از حیث تبارشناسی باید به گسترش دیوبندیه در شرق ایران گره زد. دیوبندیه در نقطه مقابل بریلویه قرار دارد که دارای مشی صوفی بی‌خطر نسبت به جمهوری اسلامی است. از سال ۱۳۱۸ افکار دیوبندیه از طریق طلاب ایرانی تربیت‌شده دارالعلوم هند گسترش یافت؛ پس از آن، طلاب اعزامی ایرانی به مدارس پاکستان در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۴۰ مدیریت مدارس اهل سنت منطقه را به دست گرفتند (نشریه سیاست روز، ۱۳۹۷: ۳۸) و به تربیت نسلی از طلاب پرداختند که دارای عقاید دیوبندیه مماتی‌اند. دیوبندیه به دو قسم حیاتی و مماتی هستند؛ حیاتی‌ها قائل هستند پیامبر در قبرشان زنده و حیات ایشان مثل حیات دنیوی است؛ به موجب این نوع از حیات، عملاً هیچ مشکلی برای سماع پیامبر وجود ندارد، لذا پیامبر سلام زائران را می‌شنود و اگر این سلام از راه دور باشد، ملائکه آن را به پیامبر می‌رسانند، توسل را می‌پذیرند و به زیارت قبور می‌روند و از این رو، آنان با وهابیت، فرق‌های عمده دارند. مماتی‌ها ضمن رد حیات پیامبر، استغاثه را رد می‌کنند، علم غیب را برای پیامبر نمی‌پذیرند، توسل در نزد آنان مطرود است. مسلمانان غیرمماتی و کفار را مشرک می‌پندارند اما آنچه مهم است که نسل‌های جدیدتر طلاب تربیت‌شده در پاکستان از حیث فقهی، حیاتی هستند و از حیث سیاسی، مماتی هستند؛ لذا افکار سیاسی آنان، مقابله با جمهوری اسلامی ایران را اجتناب‌ناپذیر کرده است. آنان از برنامه‌های صداوسیما به علت عدم پوشش مراسمات اهل سنت، از بانک‌ها به علت وام‌های ربوی و از نظام به دلیل نادیده گرفتن حقوق اهل سنت و قوم بلوچ انتقاد دارند، در نتیجه در ظاهر تنها به انتقاد روی آورده‌اند اما در مقابل مبارزه مسلحانه فرزندان و طلاب‌شان با نظام ساکت هستند (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۴۸۰). نباید فراموش کرد که دیوبندیه از نسل فکری شاه ولی‌الله دهلوی هستند و اهل سنت دیوبندیه مماتی شرق کشور بویژه نسل‌های جدیدتر آنان به تأسی از دهلوی رویکرد ضدشیعی خود را همچنان حفظ کرده‌اند همان‌گونه دیوبندی‌های سپاه صحابه شدیدترین شیعه‌کشی را دامن زده‌اند.

تمام عقاید یا ایدئولوژی جیش‌العدل، برگرفته از سلف است، سلف یعنی بازگشت به مباحثی که در قرون نخستین اسلامی پدید آمده و به شدت تحت تأثیر عثمانی‌گرایی است که آن، از سوی امویان در مقابل علوی‌گرایی شکل گرفت اما به صورت مشخص و منسجم، افکار گروه‌هایی چون جیش‌العدل به ابن تیمیه برمی‌گردد. ابن تیمیه که در قرن هشتم می‌زیست یک حنبلی افراطی است که همه اندیشه‌های اصحاب حدیث با افزوده‌های شخصی را به پای دین نهاد، سلفیه که که توسط ابن‌قیم جوزی و محمدبن عبدالوهاب تقویت و گسترش یافت بر دو پایه استوار است (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۳۹)؛

الف- عثمانیه معتقد بود که خلیفه سوم با مظلومیت توسط گروهی از مصریان و کوفیان کشته شد و علی^(ع) به دلیل سکوت و کناره‌گیری از شورش علیه خلیفه در قتل او شریک بود، از این رو، آنان دوران خلافت (امامت) علی^(ع) را رد می‌کنند و از ذکر فضائل وی خودداری می‌نمایند. آنان سب علی و جعل حدیث علیه او را جایز می‌شمارند و حکم به مهدورالدم بودن علاقه‌مندان علی می‌دهند.

ب- اصحاب حدیث کسانی هستند که تمام توجه خود را به احادیث و پیروی از آن معطوف کرده‌اند و از مراجعه به عقل در موضوعات فقهی و کلامی پرهیز می‌کنند، اصحاب حدیث بر ظواهر قرآن و حدیث تکیه می‌کنند و برای قیاس و رأی در حوزه استنباط احکام، ارزشی قائل نیستند. آنان خداوند را به صفات انسانی تشبیه می‌کنند و بر آن هستند که هرکس بگوید قرآن مخلوق خداست، کافر است (طبری، بی‌تا، ج ۳: ۳۲۴).

جیش العدل در گروه سلفیه جهادی قرار می گیرد که همانند گروه های سنی دیگر معتقد به جهاد، در پی احیای خلافت اسلامی یا تشکیل حکومت اسلامی هستند. فروپاشی خلافت عثمانی، تجربه جهاد با استعمارگران و افکار اندیشمندانی چون سیدجمال، سید قطب، رشیدرضا، شکری مصطفی و ابومصعب زرقاوی، دست مایه های این گروه ها برای جهاد است. در واقع، جهادگرایی سلفی معتقد است جهاد تنها راه و روش برای رسیدن به حکومت اسلامی، از بین بردن طاغوت و ظلم است، لذا کسانی که با آنان مخالفت می کنند از گمراهان هستند. در جهان اسلام سلفیه جهادی را بیشتر یک حرکت سیاسی برای اصلاح اسلام از شر طاغوت (استعمار و استبداد) است، ایدئولوژی آن ها بر سه پایه هجرت، دعوت و جهاد قرار دارد (نصر، ۱۳۸۳: ۳۱۹).

جهاد یا ترور بخش مهمی از ایدئولوژی جیش العدل را می سازد، به گونه ای که اعضای گروه جیش العدل یا باید طبق سازوکارهای تعریف شده گروه به جنایات و اعمال تروریستی دست بزنند یا در صورت ترک سازوکارها، سرنوشت ترسناکی خواهند داشت. بر همین اساس، معنای مسئولیت در گروه جیش العدل از این قرار است: «وفاداری به ایدئولوژی سازمان و الگوی عمل مشخص شده رهبران گروه بر پایه ایدئولوژی و وفاداری به اعضای خانواده»؛ از این رو، در اساسنامه جیش العدل آمده است: «اعضا باید همه خانواده خود را حتی باید فدای سازمان جیش العدل و رهبری آن نمایند و اعضا باید تمامی دستورات رهبر گروه را بدون چون و چرا اجرا و تمام هستی خود را فدای اهداف سازمان کنند و باید اخبار خود را تنها به رهبر گروه و یا مسؤل بالا دست خود بدهند در غیر این صورت، مجازات می شوند» (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۳۲۲).

تحلیل محتوای رسانه های گروه جیش العدل

انتخاب مؤلفه های زیر در تحلیل محتوای رسانه ای-مجازی جیش العدل تنها از باب مشت نشانه خروار است اما این روش که بر پایه روش تحلیل محتوا است بدان معنا نیست که این مؤلفه ها، از قابلیت تعمیم به عناصر بررسی نشده برخوردار نیست.

سنی-شیعه

واژه سنی از مفاهیم کلیدی در رسانه های مجازی جیش العدل است. برخلاف تصور عمومی، این واژه تنها معنای مذهبی ندارد. آن جایی که جیش العدل به انتقاد از عدم انتخاب یک سنی از جمعیت ۲۰ تا ۳۰ درصدی به وزارت می پردازد، واژه سنی یک مفهوم سیاسی می یابد لذا اهل سنت یعنی کسانی که تنها حق انتخاب کردن را دارند نه حق انتخاب شدن (کانال عدالت نیوز، ۶ اسفند ۱۳۹۴). کلمه سنی، مفهومی است که گاه در کنار بلوچ و به معنای آن به کار می رود و معنای قومی پیدا می کند و در قالب بلوچستان یا بومیان سنی نشین به میان می آید و سنی زدایی با بلوچ زدایی مترادف می شود و شعار ما بلوچ و سنی مذهب هستیم را سر می دهند (همان: 4 July 2016) و با تکیه بر قومیت و مذهب، دیگر اقوام شیعه مذهب را مهاجران غیر سنی می نامد اما بیشترین کاربرد کلمه سنی، مذهبی است که مردم منطقه از آن تبعیت می کنند. شاید در کنار هم قرار دادن سنی و بلوچی از یک اعتقاد قدیمی برخیزد که بلوچ ها اولین مسلمان شده های ایرانی هستند (کانال عدالت نیوز: ۱۰ اسفند ۱۳۹۴) و نیز، جیش العدل، کسانی را که در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده اند را سنی می نامد و از این رو، بین فعالان سنی و مخالفت با نظام گره میزند اما توضیح نمی دهند که چرا تنها معدودی از اهل سنت به جدال با حکومت پرداخته اند (همان: 9 June 2016). فقیر و سنی بودن پیوند دائمی در گفته ها و نوشته های جیش العدل دارد و نیز گاه از سنی چنان یاد می کند که دقیقا همان کسانی هستند که دائما ظلم پذیر و یا تحت ستم نظام قرار دارند و تنها افرادی که در برابر سپاه می ایستند را سنی می نامند و سنی بلوچی نمی تواند به عضویت بسیج درآید. در کشوری که حاکمیت با برچسب های مختلف چون وهابی و سلفی، دشمنی آشکاری با اهل سنت دارد، چه جایی برای شهروند بودن آن ها است.

در گفتمان جیش العدل واژه شیعه معانی متعددی یافته است، زمانی که اهل سنت از غلامرضا عزیزیان سیستانی بیرجندی در انتخابات حمایت کرد شیعه را به معنای کسانی دانسته است که در اتحاد با اهل سنت قرار می گیرند (1 March 2016). این

نگاهی متعادل به شیعه است. اشاره شبه نظامیان شیعه چند ملیتی نشان از آن دارد که شیعه در مفهوم ارتشی مزدور به کار می‌رود که به نمایندگی از ایران در عراق و سوریه می‌جنگند در حالی که مشابه چنین وضعیتی در جبهه مقابل در سطح وسیع‌تری مشاهده می‌شود (3 March 2016). شیعه یعنی کسانی که نزدیک به چهار دهه بر ایران سیطره پیدا کرده‌اند، سیطره‌ای که با حاکمیت آخوندها همراه است ایجاد یک امپراتوری را به شیعه اختصاص می‌دهند که در قالب مفهومی هلال شیعه به اجرا گذاشته شده است (blogspot.com/2016/07/3). گاه شیعه به کسانی اطلاق می‌شود که در برابر اهل سنت قرار می‌گیرند و نیز، الحوثی‌ها بدان جهت شیعه هستند که تروریست‌اند.

شیعه کسانی هستند که بدون توجه به انتقادات سازمان ملل متحد و تعدادی از دولت‌های جهان، موشک می‌سازد و یا در اقدام مسلحانه دولت قانونی منصور هادی را سرنگون می‌کند و صنعا، پایتخت یمن را به اشغال خود در می‌آورد. جنایت، خیانت، جاهل و متعصب صفاتی‌اند که شیعه با آن معنا می‌یابد. شیعه مترادفی برای فارس یا سیستانی یا غیربومی یا غیربلوچ است. فرقه‌گرایی و افراطی‌گری برای شناخت شیعه به کار می‌رود آن‌ها از اعتدال، دوستی و همدلی دور هستند (edaalatnews.blogspot.com) و البته جیش‌العدل گاه با تفکیک شیعه تنها وحشی‌ها را شیعه می‌داند (10 September 2017). به روشنی هویدا است هرچه ردیلت است مترادف شیعه است و در نقطه مقابل، فضائل با سنی معنا می‌شود و این عمق عشق و نفرت را نشان می‌دهد که جیش‌العدل را از درک واقعیت محروم می‌کند.

اقلیت-اکثریت

اقلیت یکی از مفاهیم کلیدی در گفتمان جیش‌العدل است اما کلیدواژه اقلیت، معنای متعددی در این گفتمان می‌یابد. یکی از وجوه معنایی آن را می‌توان در اقلیت به مفهوم اقلیت قومی و مذهبی دید از این رو، بر این باورند نباید فریب خورد که می‌توان از جنبه جمهوریت نظام برای سروکار آوردن چهره‌های مردمی‌تر به جای افراد تندرو در کرسی‌های اجرایی و مدیریتی پدید آورد بلکه وجه جمهوریت نظام، قوم بلوچ و مذهب سنی را در اقلیت حفظ خواهد کرد (کانال عدالت نیوز، ۱۳ اسفند ۱۳۹۴) و نیز، جیش‌العدل با استفاده معنایی خاص از کلیدواژه اقلیت، پای هر حادثه درست و غلط را به نگاه نظام به اقلیت بلوچ نه اقلیت قومی و مذهبی آن، گره می‌زند و لذا کشته شدن تعدادی از خانواده عبدالمجید نهنانی از روستای چشمه زیارت را تنها به دلیل خصومت نظام با اقلیت بلوچ دانسته است نه اینکه آنان ممکن است به جهت قاچاق مواد مخدر در درگیری با نیروهای امنیتی جان سپرده‌اند نه اینکه به صورت جمعی و صحرایی اعدام و یا تیرباران شده‌اند (همان، ۷ فروردین ۱۳۹۵).

معنای دیگری که اقلیت می‌یابد گروهی هستند که از حقوق ناچیز برخوردارند به‌عنوان مثال، کانال عدالت نیوز فیلمی را از قبرستان بهشت محمد زاهدان پخش کرده که در آن، قبوری بتنی یازده نفر از زندان سیاسی را نشان می‌دهد که گفته می‌شود به حکم دادستان زاهدان محمد مرضیه در آذر ۱۳۹۲ اعدام شده‌اند. این گروه از آن رو اقلیت به‌شمار آمده‌اند که فاقد حقوق شهروندی بوده‌اند از این رو، از سازمان‌های حقوق بشری می‌خواهد مانع اعدام انسان‌هایی شوند که از حیث حقوق شهروندی در اقلیت‌اند (edaalatnews.blogspot.com، ۲۰۱۶/۳/۱۲). در گفتمان جیش‌العدل به مفهوم دیگری از اقلیت برمی‌خوریم، معنای جدید اقلیت از بلوچ و بلوچستان فراتر می‌رود آن‌جایی که این گروه می‌خواهد نشان دهد که همه گروه‌های اپوزیسیونی نظام، در چنبره مفهومی اقلیت جای می‌گیرند و در این میان، به چهار ملیت کرد، عرب، ترکمن و آذری اشاره می‌کند که علی‌رغم اینکه از یک سوم جمعیت ایران برخوردار هستند اما در باتلاق فقر و بدبختی قرار گرفته‌اند. این معنا از اقلیت معنای خود را در مفهوم مظلوم می‌یابد لذا مظلوم می‌تواند اهل سنت باشد یا ملیت‌های برادر و همدرد و نیز می‌تواند یک اقلیت دیگر باشد (کانال عدالت نیوز، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵).

اکثریت همچون اقلیت، از تعدد معنایی برخوردار است. کانال عدالت نیوز که خبر از شهادت مولوی هاشم محمد زهی معروف به مولوی محمود می‌داد، وی را شخصیتی کم‌نظیر در بلوچستان قحط‌الرجال و مجاهد فی سبیل‌الله دانست. این شخصیت بزرگ نه تنها موقعیت خویش را وقف مبارزه کرد بلکه دیگران را به جهاد فراخواند. ایشان بر خلاف اکثریت علمای معاصر، قائل به صرف هزینه برای تجهیز و زینت بخشیدن به مساجد و مدارس نبود، پس اکثریت هم معنایی کمی و مفهومی کیفی پیدا می‌کند؛ اما همین اکثریت علما موافق وی بودند، دیگر اکثریت بد به حساب نمی‌آمدند. اکثریت گاه تنها شامل اهل سنتی می‌شوند که در بلوچستان زندگی می‌کنند، همان‌هایی که اغلب از منظری دیگر، اقلیت شمرده می‌شوند (کانال عدالت نیوز، ۱۲ تیر ۱۳۹۶). اکثریت کرسی‌های پارلمان، اکثریت دارویش گناباد، اکثریت استان‌های اهل سنت، اکثریت محروم منطقه، اکثریت بومی-محلی، اکثریت جمعیت بلوچ، اکثریت غیربلوچ، نمایندگان اکثریت آرا، اکثریت ملیت‌های تحت ظلم، اکثریت بالاتفاق مردان، اولین اکثریت مسلمان، دومین اکثریت جمعیت کشور، اکثریت مردمان ایران، اکثریت جمعیت بومی، اکثریت محکومین، اکثریت مجلس، اکثریت جوانان، اکثریت آرا، اکثریت قاطع مردم و اکثریت جامعه جوان ایران که از ۳۳۵۳ صفحه مطالب جمع‌آوری شده از جیش‌العدل فراهم آمده، نشان می‌دهد که اکثر در گفتمان معنایی آنان معانی مختلفی و گاه ناهمگونی دارد، اما آنچه برای این تحقیق مهم است آن است که اکثریت در همه حال مفهومی قومی یا مذهبی ندارد؛ این امر نشان می‌دهد که اکثریت چونان اقلیت، بار مفهومی ایدئولوژیکی هم دارد و هم ندارد و این بدان معنا است که جیش‌العدل گاه برای مذهب و قوم و گاه از آنان تنها استفاده ابزاری به عمل می‌آورد.

حق-باطل

بارزترین مفهوم به کار رفته از حق در فضای رسانه‌ای-مجازی حق رأی به معنای انتخاب است که جیش‌العدل آن را، دستاورد گرانبها و ارزشمند بشری می‌داند که باید برای آن، ارزش قائل شد و از آن به‌عنوان یک حربه دموکراتیک و سلاح مدنی هدفمند در نبرد با دیکتاتوری به‌صورت هوشمندانه استفاده کرد و نه به‌عنوان وسیله‌ای برای آراستن ویتترین نظام (کانال عدالت نیوز، ۱۵ تیر ۱۳۹۵). اما جای شگفتی دارد چرا جیش‌العدل به جای استفاده از حربه انتخابات علیه نظام به سلاح روی آورده است! از منظر جیش‌العدل، حق و جمع آن حقوق بلوچ آن است که نظام بداند که با کشتار، بازداشت و اتهام‌زنی راه برون‌رفت از باتلاق بلوچستان نیست، راه نجات در به رسمیت شناختن حقوق و احترام به ملت بلوچ و عذرخواهی از سیاست ۴۳ ساله ظلم و جنایت و پرداخت خسارت به این ملت است. با این وصف، جیش‌العدل نمی‌گوید چرا این مردم قیام نمی‌کنند؟

به باور شبه نظامیان جیش‌العدل، اکثر بخش‌های بلوچستان از وجود مدارس متوسطه و دبیرستان محروم‌اند و دانش‌آموزان دوره متوسطه و دبیرستانی، مجبور هستند فاصله ۴۰ تا ۵۰ کیلومتری را روزانه در سرما و گرما طی کند تا در کلاس کپری و سایه درختی حاضر شوند و این ظلم است و چون ظلم است حق نیست اما آمارها نشان می‌دهد میزان باسوادان و امکانات آموزشی نسبت به قبل از انقلاب چندین برابر شده است و البته ناامنی ناشی از اقدامات گروه‌هایی چون جیش‌العدل هم افزایش یافته است. این گروه هر آنچه را مخالف میل و عقیده‌اش باشد حتی قانون را ظلم و غیرحق می‌داند لذا قانونی را که تابعیت را از فرزند دارای پدر غیرایرانی و مادر ایرانی سلب می‌کند را برنمی‌تابد. ارائه تصویر غیرواقعی از واقعیت‌ها در قالب حق بلوچ از تاکتیک‌های جیش‌العدل در فضای رسانه‌ای-مجازی است، از این رو نباید تعجب کرد که تبلیغ می‌کند قانون اساسی جمهوری اسلامی سنی‌ها و بلوچی‌ها را شهروند درجه دوم و سوم شمرده است (کانال عدالت نیوز، 25 March 2016). خلاصه اینکه از نظر جیش‌العدل خواسته آنان همان حقی است که مردم بلوچ دارند اما به اینکه بلوچ‌ها آن را نماینده خود می‌دانند سخن نمی‌گوید. واژه متضاد با حق، باطل است از این رو می‌توان از طریق معنا کردن باطل به معنای حق دست یافت. واژه باطل که کمتر از حق به کار رفته است در معانی زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

- ۱- اخراج بلوچ‌های بدون شناسنامه که پاکستانی یا افغانی تشخیص داده می‌شوند (عدالت نیوز 31 December 2016)
 - ۲- زمانی که جاء الحق (پیروزی) جایگزین عبارت ذهق الباطل (شکست) می‌شود (عدالت نیوز 28 February 2017)
 - ۳- تخلف و تقلب در انتخابات و رد کردن صلاحیت بی‌دلیل یا بی‌خود باطل است (عدالت نیوز 28 February 2017)
 - ۴- سخن رهبر ایران درباره قریب‌الوقوع بودن زوال حاکمیت سنی عربستان سعودی بیهوده است (عدالت نیوز 28 February 2017)
 - ۵- آنچه گروه جیش‌العدل علیه آن می‌جنگد، باطل نام دارد و نام این جنگ، نبرد حق علیه باطل است (عدالت نیوز، ۱۸ تیر ۱۳۹۶)
 - ۶- جدایی در جبهه خودی باطل و جدایی در جبهه غیرخودی (دشمن) باطل است (عدالت نیوز، ۱۸ تیر ۱۳۹۶)
 - ۷- خیال خام باطل است از این رو باید برای هر قربانی آمده باشیم زیرا بدون آن طعم خوش آزادی از یوغ بردگی را نخواهیم چشید (عدالت نیوز، ۱۳ شهریور ۱۳۹۶)
 - ۸- سید قطب عمل هر طاغوت تباه‌پیشه، سخن فرد احمو و ترشرو و رفتار هر شخص گول‌زننده ناپاک را باطل می‌داند (عدالت نیوز 26 August 2018)
- تعریف جیش‌العدل از باطل همانند تعریف آن از حق احساسی و عاطفی است، این گروه در تعریف از حق و باطل کمتر به منابع فقهی و تفسیری مراجعه می‌کنند، برخورد این‌گونه با مفاهیم و مصادیق نشان از عدم اعتقاد یا ناتوانی به دیالوگ دینی و سیاسی است، این نحوه عمل حوزه گفتمانی و عملکردی آن را کاهش می‌دهد و روزبه‌روز، آن گروه را به سمت و سوی جدال بیشتر می‌برد.

کفر-ایمان

کفر در ساده‌ترین و پرتکرارترین معنا، مترادف گناه، بدعت و شرک است از این رو است که «خطای اجتهادی یک عالم می‌تواند باعث غرق شدن ملتی در منجلاب گناه و بدعت و شرک و کفر» (blogspot.com/2016/06) می‌گردد در حالی که هر گناهی هم‌طراز کفر نیست. گاهی هم معنای کفر را می‌توان از مصادیق آن در دیالوگ جیش‌العدل دریافت: «تلاش‌های سپاه پاسداران برای تربیت فرزندان اهل سنت و بار آوردن ولایت‌مدارگونه آن‌ها، در حالی است که باور به ولایت فقیه در نزد مذهب اهل سنت کفر است» (عدالت نیوز، ۱۹ مهر ۱۳۹۶). جای تعجب است باور به حاکمیت جور به دلیل استیلا کفر نیست اما باور به ولایت فقیه کفر است، با این وصف، تحت‌الامر قرار گرفتن مدارس اهل سنت زیر نظر رهبری و التزام به امر ولایت فقیه از آن رو که در برابر ربوبیت، حاکمیت، مختار بودن خداوند قرار می‌گیرد، کفر است. چنین اظهار نظری بیش از آنکه فقهی باشد (تبیین‌کننده عمل در بخش عبادات و اعتقادات) سیاسی است و به دلخوری از حاکمیت شیعه بر ایران برمی‌گردد، در واقع، چون آزادی عمل آنان را تنگ می‌کند با آن مخالف‌اند (کانال عدالت نیوز 28 February 2017). جیش‌العدل کفر را به معنای اقدام نمرود در برابر ابراهیم^(ع) به‌کار برده است زیرا «زمانی که نمرود از مناظره با حضرت ابراهیم عاجز شد دستور داد ابراهیم را در آتش بیاندازید» لذا کسانی که دستور به آتش کشیدن اهل سنت را می‌دهند یا بدان عمل می‌کنند، کافرند (کانال عدالت نیوز ۱۱ خرداد ۹۷). اهانت به صحابه رسول‌الله هم مصداق کفر شناخته می‌شود، آنان معتقدند تنها شیعه به اهانت صحابه رسول‌الله می‌پردازند لذا شیعه مساوی کفر است اما گاهی لندن، نیویورک و رم کافر می‌دانند و شیعه که بدتر از آنان عمل می‌کنند، کافرترند (عدالت نیوز، ۲۵ تیر ۱۳۹۶) و اگر کسانی بگویند شیعه که اهل قبله است نمی‌تواند کافر باشد، جیش‌العدل پاسخ می‌دهند منظور از اهل قبله کسانی نیستند که صرفاً به جانب قبله نماز می‌خوانند بلکه اهل قبله تعریفی خاص دارد (عدالت نیوز 4 October 2018). اما واقعیت آن است که مقام معظم رهبری اهانت به مقدسات، شخصیت‌ها و نمادهای اهل سنت را حرام و مردود دانسته است. معمولاً ایمان در مقابل کفر قرار می‌گیرد و در

معنایی متضاد با آن به کار می‌گیرد اما ایمان جیش‌العدلی، تفسیرهای دیگر هم دارد. تظاهر به آنچه که به آن اعتقاد داریم، ایمان نام دارد. باور به پیروزی، تداعی‌کننده ایمان است در این صورت، ایمان یعنی نتیجه مبارزه‌ای که با خون گره بخورد و شخصی در راستای اهداف والا به خاک و خون خویش در غلظد (عدالت نیوز، ۲۶ شهریور ۱۳۹۶). ستمگری صفتی است که ایمان را می‌برد، از این رو، می‌توان دادگری را مصداق دیگر ایمان برشمرد، جیش‌العدل خود را از جنس مردانی می‌داند که از جنس آهن و ایمان‌اند پس، می‌توان گفت: ایمان و آهن به دلیل نفوذناپذیری و محکم بودن در کنار هم قرار می‌گیرند (blogspot.com). بلوچی سرشار از غیرت است و از این رو از تبار ایمان است، چنین نگرشی می‌تواند بلوچ را مترادف ایمان قرار دهد (مرد ایمان است بلوچ).

باطل در برابر حق محکوم به شکست است به شرط ایمان و استقامت در برابر ابتلا و آزمایش که نتیجه پیمایش ایمان مومن و استقامت بر باور است (عدالت نیوز 28 February 2017). صحابه رسول‌الله معیار ایمان اهل سنت جهان به‌شمار می‌روند و توکل زمانی حادث شود ایمان را می‌افزاید. کمال و پختگی در کنار ایمان قرار می‌گیرد و با شجاعت و فداکاری عجیب می‌شود و با عدالت، شهادت و هجرت همراه می‌گردد (عدالت نیوز، ۲۶ شهریور ۱۳۹۶). ایمان آن چیزی است که در برابر گناه، فحشاء، بی‌بندوباری و غرایز حیوانی قرار می‌گیرد اما جالب است که جیش‌العدل خود را مصداق آیه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هرچه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند» می‌داند و کسانی که چنین عقیده‌ای ندارند طرد می‌کند چه شیعه و چه سنی.

جهاد-صلح

جهاد از عناصر اصلی گفتمانی جیش‌العدل است در عوض، مفهوم جهاد را تا سر حد یک نام مانند جنبش جهاد اسلامی به زیر می‌کشند، زمانی که جیش‌العدل از اعضای کشته‌شده خود یاد می‌کند آنان را شهید می‌نامد لذا مقاومت، عنصر مهمی در مفهوم شهادت جیش‌العدلی است. جهاد از نظر جیش‌العدل در فضای جنگیدن معنا می‌یابد از این رو، استفاده از اعزام روحانیون شیعی برای تبلیغ دینی به‌عنوان گروه‌های جهادی را نمی‌پذیرد بویژه اینکه این دسته از روحانیون به مناطق با اکثریت اهل سنت، اعزام می‌شوند (9 June 2016 edaalatnews) جهاد با طاعات- عبادات و با سینه سپاری-جان برکفی گره می‌خورد.

آزادی از ستم هم ممکن نیست مگر به تلاش و جهادی سخت تا مرحله شکست دشمن اما آن‌ها توضیح نمی‌دهند با این شهدی که از شهادت می‌سازند چرا دائماً در حال فرار به کشور پاکستان‌اند، آن‌ها بیش از اینکه چنین شهدی را خود بنوشند با تبلیغات مجازی، دیگران را به مسلخ می‌برند و البته در این راه، ناکام هم نیستند. بی‌شک، چنانچه جنگجویان بلوچ را مبارزان راه خدا تصویر کنیم کسانی که در سخت‌ترین شرایط با تعهد به هدف والا و با بیعت با خون شهدای گلگون کفن، مسیر آزادی از ستم را با فراز و نشیب‌های سخت و خشن، با رضایت قلبی و با شوق شهادت تا اهدای آخرین قطره خون خویش ادامه می‌دهند نباید چندان ناکام بمانند بویژه زمانی که مزایای مالی و سیاسی را نیز به همراه داشته باشد (کانال عدالت نیوز، ۱۵ تیر ۱۳۹۵).

اما اهل سنتی را که با سپاه برای تأمین امنیت بومی و محلی همکاری می‌کنند را جهادگر نمی‌نامد، آنان با انتخاب نام توحید- جهاد برای یک گروه تلاش می‌کنند به جهاد مفهومی الهی بدهند ولی حمایت دشمنان اسلام از آنان این پیوند زدن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، نباید و نمی‌توان جهاد را تنها با مبارزه مسلحانه گره زد و بپذیرند که جهاد و مبارزه مسلحانه در مقابل جمهوری اسلامی اجتناب‌ناپذیر است. آنان عمل و اقدام به جهاد را به پیامبر ختم می‌کنند: «نحن الذین بايعوا محمداً

علی الجهاد ما حیننا ابدأ: ما آنانیم که برای جهاد با حضرت محمد بیعت کردیم و بر آن تا ابد زنده‌ایم». اما آیا پیامبر با مسلمانان جهاد کرده است؟ (عدالت نیوز، ۲۶ شهریور ۱۳۹۶).

صلح هم همانند دیگر واژه‌های مورد بررسی، وضعیت‌های مفهومی متعددی را تجربه کرده است مثلاً ملاکمال خان سرطایفه صلاح زهی از آن رو صلح‌جو است که در طول عمرش، در وارد و صادر کردن مواد مخدر، نقشی نداشته و تنها به علت درگیری منجر به کشته شدن ۴۰ نیروی دولتی مجبور به ترک روستا می‌شود اما جای تأمل دارد سخن از جهاد بعد داخلی می‌یابد ولی زمانی که از صلح سخن می‌رود، به صلح ایران-سعودی، الحوثی-الصالح، سوری-سوری، فلسطینی-اسرائیلی و... می‌پردازد، آنان علت هجوم به ملت بلوچ را روحیه صلح‌طلبی و ظلم‌ناپذیری دانسته است. پیوند صلح و ظلم می‌تواند نشان از یکی از پارادکس‌های مفهومی و معنایی در تحلیل گفتمانی جیش‌العدل باشد (عدالت نیوز، ۱۹ شهریور ۱۳۹۶). آنان در اعتراض به آنچه واگذاری پایگاه نظامی به روس‌ها برای حمله به داعش در سوریه می‌نامند از آن رو سنگ تمام می‌گذارند که آن را مغایر با قانون اساسی حتی با مقاصد صلح‌آمیز می‌شمارند اما به اقدام مشابه خود در ایجاد مناطق نفوذی یا پایگاهی برای سعودی در ایران اشاره نمی‌کنند، شاید از آن رو که یکی حامی مردمی دارد به صلح عمومی می‌انجامد و دیگری نه! جیش‌العدل گاه صلح را با آرامش، امنیت، سازش، مصلحت و اصلاح به کار برده است و نیز پایان درگیری بین دو طایفه شهبلی بر و بساوند در خاش و طایفه گمشادزهی و برهانزهی در گشت توسط علمای محلی در باکس صلح قرار می‌گیرد (عدالت نیوز، ۱۴ آبان ۱۳۹۶). از این حیث، جهاد برخلاف صلح، مفهومی است که با پدیده بیرونی (نظام جمهوری اسلامی) ارتباط برقرار می‌کند زیرا صلح با درون خیر است از آن رو که به برادری می‌انجامد ولی برادری با برادران دینی اولی‌تر از برادری با یهود و نصاری که شدیداً مورد تأکید قرآن است.

نتیجه

۱. حجم مطالب رسانه‌ای-مجازی جیش‌العدل و تجربه ناشی از آن، آن را به تأسی از موسسه چون الفرقان هدایت خواهد کرد، عبدالطیف الجیوری معروف به ابو عبدالله سخنگوی دولت اسلامی عراق و شام، نخستین رئیس موسسه الفرقان بود و بعد از کشته شدن وی، ناصر الغامدی سعودی بر جایش نشست. آن دو از توانایی بالایی در مونتاژ و تولید فیلم، کلیپ‌های صوتی و تصویری و نظایر آن، برخوردار بودند. صلیل الصوارم، هدی و بشری للمومنین، تاج الوقار، قوافل الشهداء، فرمان الشهاده، حصاد المنهزمین فی بلاد الرافدین، عامان لدوله الاسلام، کتائب کردستان فی دوله العراق الاسلامیه، فرحه المسلمین بقیام دوله الموحدین و صیادوا الکاسحات و علی منهاج النبوه، تنها بخشی از تولیدات رسانه‌ای-مجازی داعش است که آنان را به جهانیان شناساند و جیش‌العدل به دلیل تشابه زیادی که به داعش دارد، الگوی رسانه‌ای-مجازی خود را از آن برگزیده است. می‌دانیم که عناصر ناظر بر فعالیت‌های رسانه‌ای جیش‌العدل همانند داعش از سلفی‌های عربستانی‌اند از این رو، زبان رسانه‌ای-مجازی آنان در ادبیات خطابه، استدلال تراشی شرعی و نظایر آن، روزبه‌روز فصیح‌تر می‌شود.

۲- از راه‌های ممانعت از تأثیرات رو به تزايد فعالیت‌های رسانه‌ای-مجازی جیش‌العدل، تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای، رادیویی و تلویزیونی و مجازی است که از آن برای خنثی‌سازی دروغ‌پردازی‌ها استفاده شود و نیز، مسائل واقعی اهل سنت از آن انعکاس یابد. هم اکنون علاوه بر تولیدات رسانه‌ای-مجازی جیش‌العدل، چهار شبکه فارسی‌زبان در حال انتقال افکار تروریستی سلفی‌اند و در برخی از مناطق به نوعی از مرجعیت علمی دست‌یافته‌اند به گونه‌ای که سئوالات شرعی خود را به جای آخوند محله از آنان می‌پرسند، البته برای تقابل منطقی با آن، ورود اهل سنت معتدل در فضای رسانه‌ای-مجازی یک ضرورت است. انتشار نقدهای اهل سنت از جیش‌العدل و انتشار نتایج نشست‌ها و گفتگوهای دانشگاهی در کنترل تبلیغات رسانه‌ای جیش‌العدل، مؤثر است. گسترش پوشش خبری و برنامه‌ای صداوسیما و استفاده از چهره‌های مورد علاقه و اعتماد در صداوسیما می‌تواند به کاهش تأثیرگذاری تبلیغاتی جیش‌العدل کمک کند. حضور رسانه‌ای صاحبان فکری اشاعره، ماتریدیه

و تصوف از طریق حمایت رسانه‌ای از بریلویه در چابهار، قادریه در کردستان و نقشبندیه در گلستان، تأثیر ابزار رسانه‌ای جیش‌العدل را کاهش می‌دهد. امکانات رسانه‌ای که صوفیه می‌تواند توانایی جناح مقابل را برای مقابل رسانه‌ای-مجازی علیه جیش‌العدل تنزل بخشد.

۳- انتخاب مؤلفه‌های زوجی سنی-شیعه، اقلیت-اکثریت، حق-باطل، کفر-ایمان و جهاد و صلح، تنها انتخاب‌های معدودی هستند از واژه‌های دوگانه زیادی که مرتب، مورد استفاده قرار می‌گیرند، آن‌ها با استفاده از قاعده استعمال کثرت در صدد تحتالشعاع قرار دادن حریف اند اما همان گونه که پیش‌تر گفتیم، نتایج حاصله از این واژه‌های دوتایی، قابل تعمیم به موارد مشابه است. جا دارد که درباره لحن و صوت‌هایی که این مؤلفه‌ها را به کار می‌برند و تأثیرات هر یک سخن بگوییم که لاجرم باید آن را به مقاله دیگری موکول کرد. این واژه‌های دوگانه متضاد، یکدست به کار نمی‌روند بلکه از هر یک، در فضایی به کار می‌روند که احتمال تأثیرگذاری آن بیشتر است، جالب اینکه تفاوت ماهوی بین آنچه جیش‌العدل به کار می‌گیرد و با آنچه داعش مورد استفاده قرار می‌دهد، وجود ندارد و این امر، نشان‌دهنده محتوایی معنوی آن از یک منبع واحد است. انتخاب مؤلفه‌های مذکور در تحلیل محتوای رسانه‌ای-مجازی جیش‌العدل تنها از باب مشت نشانه خروار است اما این روش که بر پایه روش تحلیل محتوا است بدان معنا نیست که این مؤلفه‌ها، از قابلیت تعمیم به عناصر بررسی نشده برخوردار نیست.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، مهرداد (۱۳۹۷)، تحلیل و بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان در کاهش تنش‌های منطقه‌ای و تحرکات تروریستی خاورمیانه، لاهیجان، موسسه آموزش عالی فرهنگ.
- ۲- بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۹۵)، ایدئولوژی گروه‌های تروریستی تکفیری-وهابی از القاعده تا داعش، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۳- تیموری، احمد (۱۳۹۶)، نقش اندیشه‌های لیبرال-دموکراسی در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی نگاه به تحولات سوریه، تهران: آوای ویانا.
- ۴- جانفزا، ابوالفضل (۱۳۹۰)، علت‌یابی و راه‌کارهای پیشگیری از جرایم تروریستی در استان سیستان و بلوچستان، تهران: موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی شهید اشرفی.
- ۵- راجردی، و. دومینیک، ج. آ (۱۳۸۴)، تحقیق در رسانه‌های جمعی، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: سروش و مرکز تحقیقات مطالعاتی و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.
- ۶- رشیدی، یونس (۱۳۹۶)، تحلیل ژئوپولیتیک بازنمایی فضا در رسانه مطالعه موردی: بازنمایی فضا در سینما پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- رضانی، محمدجواد و شاپور امیرمحسنی (۱۳۹۶)، شناخت تهدیدات امنیتی ناشی از گروه‌های تروریستی در شمال غرب: تهدیدات پژاک و راهبردهای مقابله، تهران: فرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) آجا.
- ۸- طبری، محمدبن جریر (بی‌تا)، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارسویدان، ج ۳.
- ۹- عزیزی، محمد (۱۳۹۷)، در مسیر شیطان (پژوهشی پیرامون نقش نظام سلطه در پیدایش گروه تکفیری، تروریستی داعش)، تهران: مؤلفین طلایی.
- ۱۰- عیاری، علیرضا (۱۳۹۶)، نقش گروه‌های تروریستی در مناسبات دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری پاکستان از ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲، تهران: دانشگاه خوارزمی.

- ۱۱- فرمایان، مهدی (۱۳۹۵)، جریان‌شناسی سلفی‌گری در ایران، قم: زمزم هدایت.
- ۱۲- قشلاقی نیگجه، افشین و امیر فامیل زوارجلالی (۱۳۹۷)، قابلیت انتساب اعمال گروه‌های تروریستی به دولت‌ها، تهران: خرسندی.
- ۱۳- موسوی فرد، هاشم (۱۳۹۳)، علل شکل‌گیری جیش‌العدل و گروه‌های مشابه با این تفکر در مرزهای شرقی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی مرکز.
- ۱۴- نصر، سیدحسین (۱۳۸۳)، قلب اسلام، ترجمه مصطفی شهیدآیینی، تهران: حقیقت.
- ۱۵- نشریه سیاست روز (۱۳۹۷)، تلاش افراطی‌ها برای اختلاف افکنی مذهبی و تطهیر جیش‌الظلم، شماره ۳۸.

منابع لاتین

- 1- Tomlinson, J. (1999) *Globalization and Culture*, Cambridge: Polity Press.

منابع اینترنتی

- ۱- پشت پرده قرار گرفتن جیش‌العدل در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا. قابل دسترسی در: <https://www.mashreghnews.ir> به تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۹۸.
- ۲- جیش‌العدل چگونه فعالیت و مبارزه می‌کند؟ قابل دسترسی در: <https://www.rouyad24.ir> به تاریخ ۷ آبان ۱۳۹۸.
- ۳- جیش‌العدل را چه کسی و با چه هدفی راه انداخت؟ قابل دسترسی در: <http://www.ion.ir> به تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۷.
- ۴- حزب‌الله تروریست است اما جیش‌العدل نه. قابل دسترسی در: <https://www.mashreghnews.ir> به تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۷.
- ۵- عمران‌خان و وعده مقابله با گروه‌های تروریستی. قابل دسترسی در: <https://aftabnews.ir> به تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۹۷.
- ۶- کانال خبری عدالت نیوز (وابسته به جیش‌العدل).